

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

امپریالیزم آمریکا

چه حکومتی برای ایران می خواهد؟

همچه با آن حرکت کنند و همواره نیز نیروبخش نیروهای انقلابی است، بهره‌برداری از ابزارهای جهنمی سرکوب و امکانات وسیع و گسترده خبرگردی و جاسوسی در خدمت امیریالیستهاست. اگر نیروهای انقلابی با تمام نیروی خود میکوشند حرکت تاریخ را درست ازیزیاب، کنند و مبارزه‌بی سخت بین اقتدار و طبقات نقلابی، میهن ما (کارگران، دهقانان، خردمندان و نولوکندهای از جمله کشاورزان) از یک طرف و امیریالیسم و استکانش درگیر است اگر مید به آینده‌بی روشن، آینده‌ای فارغ از فرقونه ستم و استثمار و ایمان به پیروزی،



فرماندهان ارتش دستور دادند مونه اين عکسها كه بيانگر خاطره مبارزات دلاورانه مخلق قهرمان ايران است ازوی دیوارها برداشت شود

چرا فرماندهان ارتقش می خواهند جنایات رژیم سابق فراموش شود؟

آقایان فرماندهان ارتش! اینکوئه
نکسها که بیانگر خاطره مبارزات دلاورانه
مردم ایران با فرماندهان و مزدوران
امربالیز امریکا است باید حتماً بهمیشه
در خاطره هازنده باشد. ستمدیدگانی
که در راه سرنگونی حکومت ننگنی خاندان
پهلوی دهباهر شاه پهلوی انداداز شد
نگداشتند این خاطرات که باید اول در اینها
خلق قهرمان میهن است برخود می بالند
چرا که این خاطرات خودسری است در بر ای از
سلطه پهلوی های جدید، اما این را خوب
می دانیم که ستگران، یعنی آنها که در
آزوی آنندتایه رضاخانی جدید سپا
ضایا الحق، وزیر فرانکو یا زنرال سوهار

آقا نیڈی!

چرا جنگ افزارهای پیشرفته، اندیشه فروشنده؟

آقای بزدی وزیر امور خارجه در مصاحبه با روزنامه اطلاعات طوری از موجودی ۴۵ میلیارد دلاری اسلحه صحبت می کند که کوئی هیچ اطلاعی از سایر ندارد که اینها مطلع دارد. ایشان می گوید باید این سلاحهای اینها را برای خود در نظر گرفتند و اینها اسپاب ولوازم بدکی از امریکا برای حفظ آنها اسپاب ولوازم آینده خواهد گفت که برای آن موزو ش و مراقبت از این سلاحهای کارشناس های خارجی هم باید برگردند و فرماندهان سابق راهنمایی می کنند و معملاً در پست های فرماندهی می گمارند. اتفاقاً ایشان چقدر برای حفظ این نروتهای دلسوری دارند.

در پیاسخ ایشان مافقط به ذکر این حقیقت اتفاقمی کنیم که اگر دولت حاضر می شد این سلاحهای ارزیار چنانی برای فروش به مزایده بگذارد، خود امریکا بزم

جانه زدن بوسر
پذیرش سفیر آمریکا
جنگ زرگوی
با امپریالیزم است

حنازمان رزیم سابق راهه یاد
داریدک چطور گاهی برای رنگ کردن
مردم و نظاهر به استقلال، سعی می کردند
با امریکا و سایر کشورهای غربی جنگ
زرگری راه بیناندازند. فحشی می کردند
اخطرهای شدیداللحن می کردند
و خلاصه کلی حاروجنجال به راه
می انداختند. البته مردم هیچوقت
فریب این کارهارانی خوردند. مردم
خوب می داشتند که این رزیم تا مغز
استخوانش به امریکا رسماً امریکا
انحصارگران غارتگرین المللی وابسته
است.

مادرانشجا هیچ قصد ان رانداریم
که بگوئیم دولت فعلی مثل رژیم سابق
است و با یاهیج فرقی با آن ندارد. اما
انتظارداریم که در سیاست خارجی دولت
موقت کتر با مسائلی برخورد کنیم که ما
راه یاد جنگ زرگری بیندازد.
جنمادفت کرده ایدکه مدتی است
رسو صدای زیادی در مردم سفر حدید
بفیدر صفحه ۱۲

سرمایه داری وابسته می کوشد پاسداران را
در برابر کارگران و زحمتکشان قرار دهد

پاسداران باید دربرابر توطئه سرمايه داری وابسته هشيار باشند
در جريان روزهای قيام، گروهی از مردم به ويزه جوانانی که به طبقه کارگر
تودههای زحمتکش متعلق دارند و در سقوط پادگانها شرک داشتند، مسلح شدند و
همانگونه که مـ. دانیـه هـمـنـیـهـ بـعـدـنـدـکـمـ استـقـامـ مـدـجـانـ آـنـ وـهـنـهـ هـمـنـیـهـ

میته ها پس از مدتی که بیرونی شدند، رسم و مرتبیان آن، به بیرونی اصلی دروازه ای این نیروها همراه با پرسنل انقلابی ارتش سایر نیروهای انقلابی وانستند شالوده و استحوان بندی یک ارتش خلقتی باشد. امادیدید که از آغاز درین امر انقلابی کارکنند شد و سرمایه داری وابسته ایران، موذیانه و ماهرانه موابل خود را در صفوغ این نیروها وارد کرد و با تبلیغات ضد کارگری و ضد کمونیستی کماشتن عناصر دست راستی در راس آنها، روز به روز کوشنید تا این نیروها را از بارزات خدمایر بیالستی و ضد سرمایه داری منحرف کند و آنان را به مبارزه برعلیه ارکان انقلابی، نیروهای انقلابی و حمکران ایران یکتاشند.

ماهروزی بینیم که این نیروهاراکه می توانستند و هنوز می توانند در
بارزات صدامپریالیستی و ضد رسمایه داری مردم ایران جو گذشته فعالانه
مرکت کنند، به روایوی با مردم می کشند و با این اعمال مردم را زاین نیروها
وححورده و بیزار می کنند والبته با آدame این رویه این نیروهابه سرعت حمایت
و ده ها را ازدست می دهند و برو واحد است که ذرا بین صورت یا به شدت تعییف شده
پس از مدتها از میان می روندویا در رسانه سرمایه داری وابسته، به حریمای برای
رکوب توده های مردم تبدیل می شوند.

((ملی کردن بانکها))

مفهومی نحو اهدد است

اجتماعی مسین مارا حل خواهد کرد
بلکه دولت رانبر بعنوان کذا انحصارگر
بزرگ بیش روی منافع حلق فرار خواهد
داد و گشود رادرجه و ایستگی بیشتر
پیش خواهد برد. زیرا یکی از اساسی ترین
ووجه منحصر سیاستهای وابسته، عدم
توازن در رزیسه های سرمایه گذاری، رشد
افسارتگی سخن هستم مالی وبالاخره
تجتمع هرچه بیشتر سرمایه در دست یک
دولت انحصارگر می باشد که بعنوان
برگترین شریک امیرالبسم عمل خواهد
کرد.

در غیراین صورت هرگونه ملی شدن
نه تنها همه که ارماشیل اقتصادی

بدون مشارکت کارگران هیچکس حق ندارد
در مورد حداقل دستمزد آنها تصمیم بگیرد

اکون چندین ماه است که کارگران
بی صرایه درانتظار تعیر و ضعیت خود
سرمی برند. اما حز و عده و وعید جیزی
عاید آنهاسته است و اذمات اساسی از
سوی دولت دراین حیث صورت نگرفته
است. صدها مشکل کارگری همچنان
با برخامانده است. دریک چنین شرطی
طبیعی است که کارگران پیگرانه و مدار
خواستهای خود را مطرح کنند و درجه هست
تحقیق آنها کام بردارند. کارگران بدغافل
خواستهای خود را اعلام کردند. اما
دولت بعوض برا آوردن خواستهای کارگران
بین ارشیح حاب سرمایه داران را گرفته
واز آنها حمایت کرده است. مدت هاست
که کارگران خواستار تعیر قانون کار رژیم
بکیه درصفحه ۱۱

حق شرکت در احزاب سیاسی برای پرسنل ارتش

در احزاب سیاسی شرک کنند".
اگرچه ممکن است که سخنگوی دولت بنایه ماهیت طبقاتی نخواهد بداند که در کشورهای سوسالیستی حزب وارش چه رابطه‌ای دارد، در عین حال بعد از نظرم رسید. در هر صورت، ما جهت اطلاع، مختصراً توضیح می‌دهیم. قبل از هر چیز یاد آور شویم که ماهیت روابط اجتماعی و سیاسی در بقیه در صفحه ۷

کارگران آگاه شوراهای مشورتی (فرمایشی) را افشاء می‌کنند

بعد از کشان جمعه سیاه (۱۷ شهریور) اعتمادات کارگران (وکارمندان) در کارخانجات و مرکزکاردوالی که استاداها خواستهای صنعتی و اقتصادی شروع شدند بود رنگ ساسی به خود گرفت. کمینه های اعتماد که با شرکت نمایندگان کارگران و کارمندان ایجاد شده بود در شکل دادن سه اعتمادات و پیکری آنها نقش مهمی داشتند. همراه اما رنگ سیاه مانند خلخالی،

گرامی باد خاطره مبارزات درخشان و خونین کارگران کوره پرخانه

ودرطی آن پایشیانی کارک ران
ز جمکنان و انشحابیان مبارز مواجهند.
رزیم شاه خائن که نمی خواست شاهد
جنین اعتماد بزرگی باشد با تمام قوا
دست سکار شد. ساواک، پلیس و
ازدادارمری، برای درهم شکتن اعتماد
کارگران سیچ شدند. وقتی هملاشهای
مدیوحانه آنها رای پایان اعتماد به
نتیجه‌ای نرسید دست به کشتار کارگران
رزدند. دهها کارگر کوره پر جانه تنها
با خاطر اصafe دستمزد و پشت کردن شرایط
عطاف فریای کار به شهادت رسندند
و صدها نفر نیز بعنوان "محرك" بازداشت
شدند. در جریان این اعتماد فعالیت
جنین کارگری نا انحاکه در توان داشتند
در سازماندهی شرکت کردند از جمله
آن فعالیت رفیق شهید محمد جویانزاده
نمودند (آن صد) بودکه در جریان این
اعتماد هنگام یورش پلیس بازداشت
شد و در دست دو سال در زندان قزل قلعه
زندانی بود.
اکنون که بیس سال از این

بهره رات روزه دادند. هر کسی زحمتکش کوره پزخانه های بازرس آموزی از مبارزات گذشته خود و بخصوص مبارزات خرداء ۳۸ به مبارزه مشکل و سازمان یافته برای احفاظ حقوق حق خویش ادامه می دهد.

به این مناسبت سالگرد این روز باشکوه و خاطره مبارزات دلیر انگارگران کوره پزخانه هارا گرامی می داریم و به کارگران شهد و قهرمان کوره پزخانه ها درود می فرمسم.

ستارخان ها و بافرخان های کارمی پست
و محمد رضاناد نیز برای اریاد سردن
بنبات ۳۵ تیر و ۱۵ خرداد و امتحان
به کارمی گرفت. مردم ماخوبی معنی
آن کارهارامی داشدند والبته استوطنه ها
را با هوشای خشنی خواهند کرد.

روشن است که ارتش خلق هرگز
از خاطره میازرات نمی ترسد. بلکه خود
درورنده نگهدارشتن خاطرات میازرات
پیقدام خواهد بود. اما اماراتی که
ماهیتش را تغییر نداده و فقط اسمن را عوص
کرده است البته از این خاطرات وحشت
دارد.

طبعی است که پرسنل انقلابی
ارتش همراه با کارگران، دهقانان و دیگر
زحمکشان و سیروهای انگلابی و میازران
نیزند نگهدارشتن خاطرات میازرات مردم
ایران خواهند کوشید.

ان مای اندیاب ساسنی همیز

بیست سال پیش در ۲۳ خرداد ماه
در ارجو قدر قدرتی رژیم کودتا شی
بق، اعتراضی هزار کارگر کوره بهز-
بای تهران روز رابه وحشت
ت. ش.

شرایط طاقت فرسای زندگی کارگران
خانه های خانواده هایشان که در کنار
کوره بهز خانه را کارفرمایان که در گرمای
رو و حشیانه کارفرمایان که در گرمای
ن، در جلوی آفتاب سوزان و کوره -
داخته روزانه بیش از ۱۶ ساعت از
رمی کشیدند با برداخت مزد ناجیزی
ت هرچه بیشتر نیروی کارآنان
ته بودند. در جنین شرایطی بود
کرمان برای اصافه دستمزد و بهبود
کار اذکار ای را با کارفرمایان
کردند ولی گوش نکار فرمایان بد هکار
آنان باتکه به مشتبه دولت
به خواسته های برحق کارگران محروم
زخانه ها و عقی نگذاشتند. سرانجام
ن با خرین حرمه عنی اعتضاد
شدند و در روز ۲۳ خرداد ۱۳۸۴ در
کوره های جنوب شهر تهران سکوت
شد و یگرددی از دودکشمای
بوره های برخاست. کارگران یکباره
از کار کشیدند. این اعتراض عظیم
را کارگر کوره بهز خانه ها، کارفرمایان
شارتگر و دولت حامی آنها راسخت
شت اداخت. آنها تصور انراهم
بند که کارگران بانداشتن تشکل
به های منفی قادر باشد دست
من اعتراض یکباره ای بزنند.
اعتراض چند روز بطول انعامید

چرا فرمادهان ارتش ...

است وسفر امریکا، هر کسی که باشد،
بالآخر سعیر امیریکاست. هلمز، سولویان
کاتانرو یا هر کس دیگری، به هر حال همه
سعیر امریکا هستند و بکسر هرگز
نهی تواند ماهیت رابطه دوکشور را به
نتیجه تغیر دهد.

ظاهرا وزیر امور خارجه می خواهد
این استنباط را در مردم ایجاد کند که
بعضی از سفيران خارجی توطئه می کنند
و بعضی دیگر نمی کنند. در حالیکه
مردم آگاه هستند و می دانند که این
کشورهای اميراليستی هستند که توطئه
می کنند "بعضی از سفيران" آنها.
همه می دایم که کاردار فعلی
سفارت امریکا در ایران یک عضو بر جسته
سازمان جاسوسی "سیا" است و حنی این
موضوع در رهمه مطوعات امریکانیز متعکس
شده است. با وجود جنین افرادی در
سناeat امریکا، که فرقی با هالم (رئیس
سابق سیا) و سفر ساقی امریکا در ایران ()
ندارد، روش است که به راه اداختن
جنجال بر سر سفیر امریکا تهایی بواند
برای انحراف افکار مردم از مسائل مهمتر
باشد. دولت با این جارو و جنجالی که برآه
انداخته است، تهایی خواهد داشت
و اتفاقی نموده های مردم را که قطع رابطه
بادولت امریکاست بدست فراموشی
بسیار.

حالب تراز حرفهای وزیر امور خارجه
حروف های سختگوی دولت است.
در تاریخ ۱۷ خرداد، سختگوی
دولت به سوالات خبرنگار رادیو-
تلوزیون درباره چونکی آینده روابط
ایران با امریکا پایان گفت. طول این
مصاحبه تنها یک دقیقه و چهل و پنج ثانیه
بود و ادرهمی مدت کوتاه چهار بار
گفت "من امیدوار هستم" و "دولت
اعلام قند است" که روابط حسنه ما با
امریکا ادامه پیدا کند.

او ناکید کرد. من امیدوار هستم که این مطالبی که فعلاً مطرح شده از طرف دولت ایران، و عکس العلی که وزارت خارجه امریکا نشان داده، به ترتیبی باشد که روابط دو کشور آنقدر صدمت نزنند که باعث توقف این روابط شود".
مانع داسیم نگرانی دولت را از صدمت دیدن یا توقف این روابط چونکه می‌توان توجه کرد؟ آن هم در شرایطی که میلیون هانف در سراسر ایران فریاد "مرگ بر امریکا" سرمی دهد و می‌گوید "بعد از شاه نوبت امریکاست"، در شرایطی که امام خمینی نیازخواست کلی توده ها در مردم فقط رابطه با امریکا حمایت می‌کند و امیر بالیسم امریکا را بزرگترین خط‌پرای ایران می‌شنازد و می‌گوید: "ما برای این روابط از رشی فاصل نبایستم". سخنگوی دولت درخشید نگری از سخنان خود می‌گوید "دولت ایران غلام‌فند است که روابط خودش را باتنمای کشورهای دنیا خوش ادامه دهد. الله تعالیٰ اینکه آنها در امور داخلی مادحالت

کارگران سخن میگویند:
بیایید عاقلانه فکر کنیم
بدانیم درجه شرایطی از انقلاب و موقعیت سیاسی مملکت قرار گرفته ایم ،

فهمی خواهیم بگوئیم و برای چه کسانی بگوئیم و نتیجه گفته هایمان چه خواهد شد.

روی سخن باشماست. آقایان نماینده، شماکه بدون شناخت هر زمانی بست مسکروفون قرارمی کنید به عده خاصی حمله می کنید، شما آگاهانه یا ناخود آگاه با بیانات خود بالاحساسات کارگران بازی کرده، آنها را تحریک می کنید که به روی دیگر برادران خودکه فقط قصدی جز خدمت ندارند دست بلند کنند و با این کار خود اتحاد ماکارگران را که باعث شد نوکر امپریالیست از ایران خارج شود از بین برید. جراحت دهن تووجه راهی را بروید که ... نتیجه های جز ترقه و برادرکشی بهمراه ندارد. چرا ثابت و تحمل استقاد راندارید؟ چرا زمانیکه از سهل انگاری نمایم گویند من غیر می شویم و فقط در صدید که کلماتی را یاد بگیرید و دریک موضعیت مناسب خودی نشان داده و کلمات راهنمای را تهدید بکار ببرید. همه را روشن فکر نمایم و حود ننان را روشن فکر واقعی بدانید. یک روش فکر باید آنقدر تحمل داشته باشد که استقاده های دیگران را بشود. چرا باید اجازه بدھید بدون آگاهی شما حقوق عدای را که همه جنال فور من هستند بعنوان پاداش زیاد بگنند در ضمن تازگی در روزنامه هم خواندم حقوق آقای اشرافی بی و جدان تا اواخر اسفند ما به در خانه اش رفته و سودش را هم با تقدیم احترام به او داده اند. امیداست بادید بهتری و فکار روش تری جامعه را بررسی کرده که دشمن را از دوست تشخیص دهیم و نوک تیز شمشیر را متوجه او کنیم.

این سخن کوتاهیت از یک کارخانه جنرال موتورز، این رفیق کارگر چه، سایندگان شورای کارخانه را خطاب فرادرداده است، امادر حقیقت روی سخن‌ش با همه کسانی است که می‌خواهند تحقیق پوشش حیات از کارگران، یعنوان خدمت‌به طبقه کارگردانی و فاعل ایساهاجره بیشتر کارگران را بفریبند و با ظاهره سازی و استفاده از کلمات و عناوین کلول رونده جلوی حرکات اعتراضی و حق طلبانه کارگران را بگیرند و آسیه‌دار خدمت بیشتر کارفرمایها فرار دهد.

مادر اصحاب رای درک بیشتر سخنان این کارگر، خلاصه‌ای از برخور د روزانه نمایندگان شورای امن کارخانه را از هیان بکارگر بازگویی کنیم "تو خود حدست مفصل بخوان از این محل".

صبح روز ۲۴ اردیبهشت ماه، جلوی رستوران کارخانه گرد آمدیم تا به سخنان مدیر عامل جدید کارخانه که به ظاهر آدم "آزاده‌ای" هم هست گوش بدیم و از سرنوشت خود مطلع شویم. ابتداییکی از اعضاً شورای کارخانه آدم پشت میکروفون و از طرف مدیر عامل معدرت خواهی کرد و گفت ایشان نیاماده‌اند. انسال‌الله در جلسه بعدی تشریف خواهند آورد. وسیس شروع کرد به صحبت و نصیحت و بعد اینکه، ساعت جدید کارگونه است و چکونه نیست و تاکید کرد که شیفت روز (یعنی نوبت روزانه) از ساعت ۷ صبح است تا ۲ بعدازظهر بدون صرف نهار و شیفت شب از ساعت ۲ بعدازظهر است تا ۹ شب بدون صرف شام. یکی از کارگران شیفت شب بلند شد و بعنوان اعتراض گفت "این فقط نظر کارگران روز کار است باید شب کارها هم باشد و آنها هم نظر بدھند". که یکباره نماینده شورا عصبانی شد. احساناتش کل کرد وطنین صدابش بالا رفت و بدون ربط با این مسئله ادامه داد. که چرا انتقاد می‌کنید؟ چرا از شورا بدミ گویید، چرا نامه‌پرایی می‌کنید و باتهدید گفت "آن عده‌ااز آقایانی که اعلامیه در کارخانه پخش می‌کنند، بشناسیم، یک روز معرفی شان می‌کنیم به دیگر کارگران تا... . سپس سخنرانی یکی دیگر از نمایندگان شورا و اتکدنش روی این مسئله که "برادران عزیز کارگر، کارگر بیشتر کارکنند، زیرا دیگر کارخانه مال ماست و خارجیها دستشان کوتاه شده و انتقاد کرد از برادری که جراحتی و قتنی من و مدیر عامل از کنارش رد شدیم سلام نکرد و... ."

سرمایه‌داران وابسته...

مادر جند ماهه اخیر دیده ایم که پاسداران و نیروی کمینه هاراکه اکثریت آنان جوانانی پر شور و میهن پرست هستند، بارها در برابر مردم قرارداده اند، که نمونه آخوش رادر خوزستان دیدیم و همه می دانیم که حوادث گندید، نقده و خوزستان که عده زیادی از پاسداران و سایر هم میهان ماوزهمتکشان ستد دیده ایران را به کشن داد، نه تنها همچنین مشکلی راحل نکرد، بلکه سائل را بسیار بفرنج تر ساخت و عملاً پاسداران را نیز که اکثر آنها از میان توده های برخاسته اند و باید حافظ مانع توده های زحمتکش باشد، از آنها دورتر و دورتر کرد. همه مسا امروز شاهد آنیم که پاسداران را برای سرکوب کارگران به کارخانه ها و به مجالس تحصن کارگران و اجتماعات کارگران می کشانند و مهتمراز همه آن که با تصرفی عناصر متفرقی از صفوی پاسداران، آیان را به مدافعان سرمایه داری و استه تبدیل می کنند و در خور توجه است که در همین حال ارتش را به سرعت نوسازی می کنند و همان فرماندهان سابق راکه رنگ عوض کرده اند و حتی برخی از آنها علناً تاروز-های قیام بهمن نیز به کشتار مردم مشغول بوده اند (مثلاً فرمانده نیروی زمینی) در ارس ارتش مو، کارنده وبا تمام قوا در راه شورای پرسنل انقلابی ارتش کارشنکنی می کنند.

این علام جملکی به ماهشدار می دهند که سرمايه داری بمویز سرمایه داری وابسته با تمام تلاش خود، در پی تعیین نیروهای مبارز، منحرف ساختن مبارزات ضد سرمایه داری و ضد امپرالیستی مردم و تقویت استحکامات خوبش است، تا چون گذشته در فرضی مناسب همه ثمرات انقلاب را نابود سازد. راستی آیسرمایه داری وابسته و مدافعان آن خواهند توانست نقشه های خود را عملی کنند؟ به اعتقاد سرمایه داری وابسته در عملی ساختن برخی از نقشه های خود، تاکنون موفق بوده است و اگر مقاومت سرخانه و اشناکری همه جانبه کارگران، نیروهای انقلابی، روشن فکران میهن پرست و باداران آگاه باشد هرچه تهاجم ادامه نماید، سرمایه داری با ادامه تصفیه نیروهای آگاه و مبارز از صرف پاسداران و پادامه تبلیغات زهرائیں ضد کارگری در میان آنان، این نیروها که زمینات توده ها برخاسته بود، به آلت دست خود و به حافظ منافع خود تبدیل خواهد کرد.

جانه زدن ۰۰۰ بقیه از صفحه ۱۲ قهر

نکته دیگر اینکه آقای وزیر از "بیهود وابط" سخن می‌گوید. انگار که روابط ما لان سخت تبره و تراست (که نیست) حالمانگران هستیم که نکند این روابط کوچت بیهود پدیدانند (که فکر نمی‌کنیم بن مسئله نیز کسی جز آقای وزیر و سایر مقامات دولتی را "تگران" کند).
سیاست‌دینیم بالآخره از این جنگ رگری چه چیزی عابده طرفین خواهد شد وشن است که سرانجام امریکا بعد از مدتی بیان دارد که "سگ زرد، برادرشان

پاسخ به یک انتقاد
آیا وظیفه صفحه‌ادبیات کارگری دادن
آگاهی سوسيال دمکراتیک است؟

مکن استفاده کرد ناگهان چه گستردۀ تزویر
چه عمق تر مه کارگران آگاهی های
سویال دمکراتیک داد ...
به شکلی که رفاقتۀ راطر گرده اند
پس اصولاً بهتر خواهد بود که مامن
صفحه را بینندیم. چون روش است که از
طريق مطالب افشاگرانه یا مقالات آموزشی
خیلی بهتر می توان به هدف فوق رسید
چرا ماتم صفحات روزنامه را اختیار
مقالات و مطالبی نگذاریم که بیشتر سی
کارآشی را دارند - وقتی که هدف ما مشخص
است، چرا همیشه از "بهترین ایزار"
برای رسیدن به آن استفاده نکیم؟
(ماروی) "بهترین ایزار" نکه می کیم،
چون می دانیم رفاقت هم توافق دارند
که هنر، بخصوص هنر متعدد، به هر
غیرمعهده مفهوم بورزوایی آن، به هر
حال یک ایزار است و می تواند آگاهی ها
را بالا ببرد.

عنوان صفحه که "ادبیات کارگری"
است خود روش می کنده که مادرابن صفحه
می خواهیم ادبیات کارگری را مورش
دهیم. رئالیسم سویالیستی را ناعمه
دهیم و در حد توان خود، بسیار همه
خوانندگان این صفحه، به رشد آن در
ایران کمک کنیم. طبیعی است که با این
کاردرون عین حال آموزش سویال دمکراتیک
نمی داده می شود زیرا این در خملت
رئالیسم سویالیستی و آثاری است که در
این صفحه منعکس خواهد شد. امانیابد
فراموش نکنیم که هدف این صفحه عمده تا جیبست
مثلثاً می بینند که مایه تازگی داریم در
صفحه هم ضیحانه. درباره شعر

پاسخ به یک انتقاد

آیا وظیفه صفحه ادبیات کارگری دادن آگاهی سویال دمکراتیک است؟

برخی از رفقاء استفادات خود را در مرور آن دشواری پیش می آمد. اگر
هر چیزی کاربرد داشته باشد برای مافرستاده اند
بایشکار از توجه موقت این رفقاء، در این شماره
یه آن بخش از انتقادات ایشان که به صفحه
ادبیات کارگری مربوط می شود، پاسخ
می دهیم.

* * *

رفقاد مرور مقاله ای که چند هفتۀ قبل
در راه رئالیسم (انتقادی سویالیستی)
دوپا شد، تا هرچه کمتر به ایز اشکالات
برخورد کنیم. امامی پذیریم که سرانجام
نیز شتوانستیم این تضاد را به شکل
درستی حل کنیم. هم طولانی شد وهم
مشکل.

* * *

اما، صرف نظر از انتقاد بجا درستی که
رفقا طرح کرده اند، مالازم می دانیم
یاد آوری کنیم که برداشت آنها از از
صفحه "ادبیات کارگری" درست نمی دانیم
این رفقا در بخشی از یادداشت خود
جنین نوشته اند:

"مادرحال حاضر قدمان این نیست
که به کارگر دیده هنری بدھیم و او را از
تاریخچه پیدا بیش رئالیسم آگاه سازیم،
بلکه باید علی بدختی و (وغیره...) را
می خواستیم خیلی سریع و کوتاه مسئله را
بررسیم، کنیم، مقاله مشکل می شود، فهم

نهض پاسید که دیگر مردم نمی‌باشند، پیشه هم و سمت را مدارس و روزروزی پی‌واهند خاست تا به خورشید تازه‌ای که در شرف طلوع است خیر مقدم بگویند. ولی آن روز دست‌های جنایتکاران از ملت ما خیلی خون خواهد گرفت. اما این خونها جواب نخواهد ماند. خلق، همه سختی‌ها را تحمل خواهد کرد و در مقابل هر گنجیده‌ای طاقت خواهد آورد زیرا که درنهاد ما ایمانی است که آن را هرگز هیچ چیزی تواند از بین ببرد و آن عشق و علاقه به خلق و کینه و نفرت به دشمن خلق است. آن‌هایی که مانع آزادی مردم می‌شوند و آن‌ها را بهناج و برای کسب قدرت و تسلط خود می‌کشند باید مبارزه کرد و معدومشان ساخت. زیرا آن‌ها حق ندارند برای نظر قدرت خود سربازها و جلادان خود را به جان مردم بیندازند. و بدین جهت است که ما سلاح بدست گرفته‌ایم و مرگ را با مرگ جواب می‌دهیم. این پست‌فطرت‌ها نمی‌دانند که دست‌های ناپاکشان چه تخم کینه‌ای در دل ها کارند. روزی خواهد فهمید که نیروی خلق توسعه می‌باید و شروع به درو کردن علف‌های هرزه می‌کند. و چون خون آن‌ها گندیده است، بی آنکه اثری از خود جای بگذارند از بین خواهد رفت.

قیب ما می فرستند دوست ندارند؛ بلکه آن‌ها را برای حفظ قدرت خود به کار گیرند و آنقدر آن‌ها را فشار می‌دهند تا تفاله‌ای بیش، از آن‌ها باقی نماند. آنگاه ها را بدور می‌رینزند. اما فرزندان ما چون با ایمان برای رهای خلق، مبارزه کنند و خون پاکشان در راه آزادی انسان‌ها ریخته می‌شود، همچون باران بهاری که در آینده در این باره بشترستخشنده‌اند. اینست که جاودان بین را آبیاری می‌کنند و گل‌های زیبای آزادی را می‌پرورانند. اینست که جاودان شانکیای ما، می‌آنکه منتظر قضایات کاملتر شود، نسبت به آن یادآوری و انتظار شان داده‌اند. یک تن، سالاره و احتمله‌ای از رئیق پویان در "سازگشت به مادر" در زمان صلح، و حتی به آن فکر هم نمی‌کند، اما مبارزه چیز دیگری است. ما کجا آباد" نوشته است‌که: "فروتنی زیاد خود از خودخواهی سرجشمه می‌گیرد" برخی به این جمله مایه‌ریز گرفته‌اند که نوشته‌ایم: "دوستان خوانده، همچ صرورتی ندارد که درستخود شان هم صرفاً به سوابی سازمان یا اعضاً آن بپردازند". رفایابد توجه کنند که مانوشهایم

درست است که زندگی زیباست. اما زندگی فقط نفس کشیدن نیست. انسان تا مانع شوشه ایم "ناید" و "به هیچوجه" تی زنده است که بتواند آزادانه عقاید خود را بیان کند. لازمه زندگی، آزادی در ایران آنست و بدون این آزادی، زندگی در برگی و فرمایگی است و ارزش زیستن ندارد. زنده بودن یعنی آزاد بودن و انسان بودن. در مقابل هر انسان متفسر، اکنون راه وجود دارد: یا زیستن با همه شرایط آن، یا مرگ. بودن یا نبودن. بنابراین پیشنهاد مرگ را بعنوان یک اختیار به حساب آورد. البته این بدان معنا نیست که استقبال مرگ برویم، بلکه بر عکس این مرگی را که دیگر یک تصادف نیست و رفیق دیگری نوشته است "شما می گویند که: "یک کشور خاص، یک حزب یا سازمان خاموس-رانجام یک فرد خاص تنها تازمانی می توانند قابل احترام و در خورستایش باشند که... به ضرورت های تاریخی به شکل درست پاسخ می گویند" از این جمله اینطور استباط می شود که در آن شما شک دارید که سازمان خودتان هم در مسیر درست حرکت می کند".

مانعی دانیم این رفیق چهارها زن مبارزه ادامه دارد و نیروی قوی تر از هر چیز دیگر، بدون انکه فرصت دهد که جمله چنین استنباطی کرده است. آنچه پیشتر سرم بنگرم، مرا به پیش می‌راند. شاید فردا تو انتستند مرا شهید یا دستگیر مخواسته ایم بکویم اینست که از احزاب اند. اما امروز و در این ساعت من از نبرد خویش بازنماندهام و همراه دیگران، همراه سازمان ها و افراد، نباید "مطلق ساخت، نباید قهرمان سازی" کرد، و هنوز هم چنین اعتقادی داریم و همه‌ننانکه وعده داده ایم درباره این موضوع، تا آنجاکه به "شعر" و آثار رسیده تربوط می‌شود، در آینده توضیح بیشتر خواهیم داد.

نامه «رفیق مادر»

این نامه را "رفیق مادر" عزت غروری "پس از مخفی شدن برای پدر و مادرش نوشته است. مامو خواستم چند هفته قبل مقارن سالگرد شهادت این رفیق (کدراواخر اردیبهشت ۱۳۵۵-ود) نامه اش را جاگه کنم، اما بعلت تراکم مطالب این امکان را نیافرتم.

رفیق مادر در سال ۱۳۵۳ در بروجرد درخانواده ای مذهبی به دنیا آمد. فالیت خود را با مطلعه کتاب همراه با فرزندانش شروع گردید در سال ۱۳۵۳، در سن بیچاره سالگی به سازمان چرکه‌سای فدائی خلق پیوست. پسرانش احمد و محتسی خرم آبادی و خواهوش فرمده غروری نیز مانند اورده صوف سازمان چرکه‌سای فدائی خلق سازه کردند و به شهادت رسیدند (احمد در ۴/۱۴/۱۳۵۰ و محتسی در ۱۲/۱۲/۱۳۵۲، هردو در سن ۲۸ سالگی و فریده در اردیبهشت ۱۳۵۵ در ۲۳ سالگی).

در این نامه، رفیق بازیان ساده و سی

«ازنده بودن یعنی آزاد
بودن»

سلام گرم و آتشین مرآ بپذیریدا
درود فراوان بر دامان پرمه ر تو مادر،
چون احمد و مجتبی بپورد. امیدوارم که
شما را تنها گذاشته ام خیلی معذرت می
و جو رد نداشت. دیگر در گوشة خانه ننشست
این بود که این راه را انتخاب کردم و
را قاعداً زنده هستم. وقتی که فکر می کنم
بهمه اش تجاوز می کنند با «نوک» چشم



فیق شہید عزت غروی (خرم آبادی) رفیق مادر

نمی دانید که نهال تازه‌ای در زندگی من شکفته است و آن نهال کینه است، که در فون جوانان آن را پرورش می‌دهد. و حالا تازه فهمیده‌ام که باید در مقابل دشمن خود خواری که هر روز جوانان ما را می‌کشد، مقاومت کنیم و این را تا آخرین نفس به دامه خواهیم داد.

همه این هایی که دارند مبارزه می کنند، بهم پیوسته گروهی بزرگ و نیرومند را از اندلس تشکیل می دهند که در آینده تزدیک مانند توفانی سهمگین و نیرومند، خانه های وشالی مزدوران را درهم می ریزند و من صدای دلنواز این توفان را از دور می شنوم
نه دارد تزدیک می شود.

یرا ما هم تصمیم گرفتیم قلب کسانی را که جوانان ما را می کشند با گلوله از سینه گلبرون بکشیم.

نمی دانید زندگی در اینجا چقدر زیباست! وقتی آنها را می بینم که همه مانند یک امیل و یک خانواده در راه یک هدف و سعادت یک ملت با قلب های پر از خشم و کشته نسبت به دشمن و دل های پر از امید و لب های پر از سرود مبارزه می کنند - مردوهایی که مانند جویباری به یک رودخانه تبدیل می شود و به آرامی و عظمت در ریای درخشان زندگی آزاد می ریزد - احسان آرامش می کنم و شادی بی پایانی خودم را فرا می بگذارم.

معلم عزیز چرا کتاب صمدرا پاره می‌کنی؟

ما و آنها

بیوک دزندگی همه آنها وجود دارد
نهاکارخانه، بانکها و بسیاری مراکز
درآمد دیگر دارند که از کارمابدست آمده
برزندان آنها هم باز صاحب کارخانه ها
منابع درآمد دیگری شوند. خلاصه
تاریفمایان و نسل های آهالی از حمت ما
بولدار می مانند و کارگران و فرزندان آنها
محاجن کارگر باقی خواهند ماندو
دستهای است که اینطور است . هر روز سر
عداد کارگران افزوده می شود و اکثریت
جمعیت کشور را تشکیل می دهد .
اما کارفرمایان و پولداران همیشه اقلیت
جنی هستند و در واقع اقلیت از هر تیر
ندگی برخوردارند و اکثریت که همه جیز
انولید می کنند در بیشترین زندگی سر
ی برند . اینکه بگوییم فقر و بدختی ما
کثیر است مود آمد هنگفت وزندگی
پولداران کارخدا است درست نیست
من حرفها را تویی گوش ماخواهند اند تا
هرچه بیشتر از ماهیه مدن شوند . تا
نهایت شکایتی موجود شکایتی باشند و
برابری ماکثیت بالقلیتی که بر می
حکومت می کنند از کاراستعداد خود
نهایدست نیامده است و قتی ماگاهی
ارایم و کسانی را می شناسیم ، چطرو
نهایا دون کاروز حمت شروع شده اند
بول نی خوریم . ماه می توانیم مثل
نهایا شروع مند شویم . این برای ماکارگران
وشن است که به زحمت می توانیم تبدیل

زندگی ماکارگران در همه شهرهای ایران، چه کوچک و چه بزرگ، مثل هم است. ماهور روز از صبح تا شب کارمی کنیم اگر ما کارگران کارنگیکیم تمام چرخه‌های ملکت از کارمی افتاد، هیچ چیز تولید نمی شود و مردم بدون کار مانند نمی توانند نیازهای زندگی خود را بذست^۳ و زندگی در واقع از کارگران و دهقانان است که همه تولیدات جامعه به وجودی آید ماکارگران فقط از دسترنج کارمان است که زندگی خود را تامین می کنیم . محله‌های کارگری در همه شهرها و کار ما در کار - خانه‌های کوچک و بزرگ، کارگردن در قبال دستمزد و بسیاری چیزهای دیگر مسا کارگران را از دیگران مشخص می کنند .

سهم ما زنوت‌هایی که به دست ما تولید می شود بسیار کم و ناجیز است. ایک زندگی سخور و نرم را بستر تمازن نمی کند خانواده های مازمواد غذائی کافی برای سلامت خود بروخود داریستند و همیشه بسیاریهای گوناگون سلامت مَا و خانواده مارا تهدید می کند . خانه های مابسیار کوچک و منساق و بدون نور کافی است . فرزندان مانی توانند تحصیلات خود را داده و دهندو آشناهم مثل مَا کارگر می شوند . حتی برای شنیده و تحمیل هم باشد کارگر کنند . خلاصه عمر ما خانواده فقط در کار برای دیگران خلاصه شده است بدون ایکه از زندگی بهره‌ای داشته باشیم . تلاش‌های ماکارگران برای بهتر کردن زندگی مان که فقط از دستمزد کارمان تامین می شود همیشه با کارفرمایان و عوامل آنها و وزارت کاروارش و پلیس روبرو می شود و بذرگت ممکن است بهمود جزئی در زندگی ما موجود - آید . تحریه نشان داده که تلاش مَا برای بهتر کردن زندگیمان فقط در اتحاد ماکارگران به نتیجه می رسد تفاوت زندگی ما با زندگی کارفرمایان ویقه یو لدارها برای همه ما مشخص است . محله‌های اعیان نشین تفریحیات گوناگون ، غذاهای عالی و اتوکوبیل‌های

تعیین کنند تا شفاهای جمیع با خایالی
راحت با همسرمان به سینما برویم و سرخرید
نامه باشند از همان شویم چرا که ماما مجاہد
بجهه نگه می دارد. یاد نمی آید زمانی
را که کوله باری از خفت و ترس را کاهانه
ناکاهانه به جیر یا بد لخواه، بردو شر
می گرفتیم و هرای دیگناتور میزد و
اینجوا آن جاهور امی کشیدیم؟ همان
وهمان زمان کوله بار صدم پر بود از شهامت
و استقامت و مهمنت از همه مازایان به خلق.
و بالاخره یادت می آورم شبهاستی
را که چرتکه می انداختیم تا سنتیم تغییر
ضریب فلان به سهیان چقدر عادی مار
می کند، صدم آن شبهاستی نوشته، ندهد
باشست، نه در شهر، بلکه در روستاهای
آذربایجان، در معغان، در آخراجان،
در سرما و در گرام.
اینها از دیرباز زمان، امروز راهم به با
سازویم. امروز را که همه انقلابی
شده ایم واگر زنگ مدرسه دور دیگر تر
حکوم دلکه های کوچکان یکی کوی از درگلاس
سریون می آبدو شنیم با جانان خشمی کرد
انگار دنیا کن فیکون شده، باز هم قبول
نداری؟ همین امروز رایرات منشال
می آورم. دیگر نگو بادم نمی آید
امروز صحیح رامی گویم که دادمی زدی باید
دانش آموزان را ایکتاب آشتی داد
آکا هشان کردواهه و پله. و وقتو پیشنهاد
مدیر اداره مورد قبول مسؤولیت کتابخانه
شنیدی آنچنان باشتاب از دفتر زدی
سریون که پنداری جانت را از مهک
در می بزیری.
پس پیشیم بجهه ایان رایه حال
خودشان بگذاریم و فقط تشویقشان کنیم
که مطالعه کنند و خود انتخاب کنند.
بلی همکار عزیزیمن مطمئن با توجه به
اینکه آنها جوانند و پاکیزه، پاکیزه ترین
رای انتخاب خواهند کرد...
هادی

نامه زیرا یکی از رفای معلم ما همراه با یک کاربکاتور برای چاپ در نشریه کار فرستاده است. این نامه فیلا هم در یک نشریه دیگر چاپ شده اما با توجه به اسکه مسائل حالی در آن طرح شده است مابخش هائی از آن را مجدداً چاپ می کنیم.

و وقتی اینکونه رفتارهارادریک محیط فرهنگی که قاعدهنا باید پیش رو باشد، می بینم دردی بس سنگین در دل لیم می شنید و آن وقت است که از رفتار آن مرد عادی که اعلامیه ای را از روی دیوار می کند و جوابیم را با بریق چاقویش می دهد، تعجبی نمی کنم ...

باید از این عده که خواه برادردار و دست در دست هم داده اند تادو ماره بنخه اختتاق را بر حامه سلطک گذارد پرسید مگرنه اینکه صدد را کاشتن تخم آزادگی در سینه بوحوانان ماسهم عمدتاً ای داشت و مگرنه اینکه همین نوجوانان سی با ایمان ترازما برای آزادی چکیدند؟ پس چرا حتی بانام صد اس مطهر آزادگی و آزاد منشی مبارزه می کنند؟ صد جزو محدود نوبنده دکانی بود که با تحلیل درستی از جامعه فانمید که باید بعکودکان پرداخت و ذهن آنان را آشنا و اغیانات پروش داد.

و چه خوب توانست حقایق را باموزد و یکیه طبقاتی خفته را در دل کودکان استئنار شده بیدار کند ...

پس چرا کتابش را پاره می کنی معلم عزیز؟ به تو می گوییم ، تو نی که در کلاس است بک ساوک جدید بوجود آورد ای و می آید کتابت می آید زمانی را که صد کوله بیاری از کتاب بردوش داشت و در میار مردم زندگی می کرد؟ آن موقع من و تو کجا بودیم؟

یاد نیست؟

کتاب میز رشی آموزش و پرورش ناجهه مان گاگدنی کج التماش می کردیم که مدرسه مان را زندگی منزل مام جانما ر

خبر ، خبر و ساره هم خبر ، از هر گوشه و از هر کسی ...

من یک آمور گارم - آمور گارکی از مدارس راهنمایی شرق شهر ...

در دل های عصی از همکاران و ساره ای از واقعیت های عسی که هر روزه آنها سرخورده می کنم صروراً مراد و اداس که من هم ساما در دل کم ...

حد می شود کرد؟ رمانهای سده که در دنیا نام صدگاهی بانحصار دنی است و حال که می خواهیم از صدگویم . مانده ام که حد نکوم و چگونه بگویم؟

از دخترکی سرستان می گویم که می گفت: "علماین اولدور و کلاغهای را از دستم فاید و حلوی خشم تمام سمه ها خبر جر کرد و حقی خواب جراحت راهم بداد".

و دسری سادلی برد در دل کاتات از آن داشت که عده ای دارند کتابخانه مدرسه مان را به اصطلاح یا کسازی می کنند و این تصفه در درجه اول شامل کتابهای بعد بهترینی شده . در روزنامه همچنان خواندم که ۲۵۰۰ جلد کتاب را کسی کتابهای صد هم از آن حمله بوده کمته شهرستان ایپریه شهر راه نداده است .

و معلمی می گفت: وقتی از تاگرد دادیم برسدم آما صد رامی سانسد؟ همکی گفتند بله ولی کتابهای ساندیعی خوانیم گفتم "چرا؟" خوانم این سوده می کوئیست بوده و به همس دلیل آقای مشاور باکد کرده است که سجه ها موظب هدیگر اشتنکا کی کتابهای رانخواند و دست آخر در مدرسه ، خودم شاهد بودم که مدیر عکس صدر از رد و ساره اهروکندور بیز رس کرد .

کارگران آگاه سوراهای مشورتی (فرمایشی) را

پارهای از موسسات نفوذ دولت و سرمایه داران موثر می‌افتد و نمایندگان واقعی کارگران را که فریب سرمایه دارانی خود را در یک انتخاب مجدد بکار عوامل سرمایه دار نمایندگان نیاز آنکه کارمندانی که از تقدیر شوراهای امور اینستیتیوی (فرمایشی) درمی‌آورند که عملادار خدمت سرمایه داران و نه کارگران هستند.

اماراه مبارزه با این حرکت سرمایه داران چیست؟ افشاگری.

کارگران آنکه وظیفه دارند شوراهای فرمایشی را افشا کنند و برای این منظور باید به متوجههای کارگر متول شوندو و قدری می‌بینند شوراهای ادارجهت مانع کارگران حرحرکت نمی‌کنند را افشا کنند. و قضایا علتهاي آن و نتایجی را که نظریات غلط نمایندگان شورامی تواند برای کارگران بیمار بیاورد روش کنند و بدین سلسه موضع سازشکارانه آسراز اشتسان ددهند و همچنین کارگران و کارمندان بیمار ز باید عناصری را که زد و بدهای ساکار فرما دارند، یاعمل بخواستهای آنها بی توجه مستند افشا کنند و چگونگی ورود این عناصر به شوراهای پیدا کنند. کارفرما و شکلات دولتی (وزارت کار) را که از بیرون از آنها حمایت می‌کنند به کارگران مشناسند و موضوع ضد کارگری آنها را افشا نمایند و در ضمن توجه کنند که در شوراهای مرکزی که نمایندگان کارگران و کارمندان از قسمتهای خود در آن شرکت می‌کنند تعزیزداد نمایندگان باید با تعداد خود آنها متناسب باشد.

از آنچه که نمایندگان شوراها خواسته‌هاي کارگران را تعقیب می‌کردند، دولت به شکل مستقیم نمی‌توانست شوراها را درهم بشکند و نابود سازد.

بنابراین لازم بود بطور غیرمستقیم در کارآنهای اختلال ایجاد کند. زیرا در صورت رشد طبیعی این شوراها خواسته‌های رامطح می‌گردند که در تضاد با منافع سرمایه‌داران بودند و بدورای این منظورا ز عناصر متزلزل و ناآگاه استفاده می‌گردکه در زمان پاک‌فرتن شوراها بدون ضبط وارد آن شده بودند و اینکه در لباس مذهب به حرکت مترقی و مختلف منافع سرمایه‌داران برچسب ضدانقلابی می‌زندند و همچنان سدراء رسیدن کارگران به خواسته‌های برق خود می‌شوند. حتی در مورد تصفیه عنصر صمزد ریکی از همین نمایندگان می‌گفت "کسانیکه چنین پیشنهاداتی می‌دهند، مسلمان نمی‌ستند و می‌خواهند چوب لای چرخ دولت بگذارند زیرا نظر ام جدید مدیران سرسپرده سابق را اصلاح می‌کند و احتیاجی به اخراج آنها نیست" در مقابل پیشنهاد کارگران مبنی بر ایجاد امکانات رفاهی برای آنها می‌گفت: "طرح مسائل صنعتی و اقتصادی در حال حاضر عملی خداوندانی است و دولت را تعیین می‌کند." در مورد طرح یکی از نمایندگان می‌شوند بزرگی کارگران موقت و پرداخت حقوق و مزایای آنها به چشمکری و جارو-جنجال به نماینده‌ذکور از اوضاع نسبتی اشاری رای دهنده فقط در خاور و شایسته دشمنان قسم خورده زخم‌کشان و عمل آنهاست و فوری پاسرهم بنده انتخابات جدید و دسته بندی علمی نمایندگان واقعی و ایجاد مانع در راه انتخاب آنها بوجود آوردن خفقان، شورای جدید را بوجود می‌آورند که در آن سربرست‌ها، نماینده‌کارگران و مهندسین نمایندگان کارمندان معروف شده اند و بدون توجه به نسبت کارگران و کارمندان شوراها بی‌تشکیل می‌دهند که بطور عمده از کارمندان و یا مهندسین تشکیل می‌شوند به این ترتیب مشاهده می‌شود که در



بقيه از صفحه ۱

مریانسها سعی دارد ساخت از این
کردن انگهای سان آورد؟
واعماری ملی کردن سهام چیزی
مانهایان بانک امریکا که عده سهام
بانک ملی اطلاع و بانک تولید منتهی
و معدن ایران - بانک ملی کتبخانه اسلام
الشنبه و راست کمیانی شیاگو که عده
سهام بانک داریوش، کردی لوسیون
بانک ملی اشتراکهای انتقال پارس و
بانک لسان زاین که عده سهام بانک
خرمان و سرمایه کذاری ایران، ۱۹ بانک
عده امریکایی که سهامدار بانک
خرمان و مدها بانک، تراست، کارتسل
موسات امریکایی که سهام اصلی
ماکهای تخصصی و صنعتی کشور مارادار ای
فستند و دههای ابر سرمایه کذاریهای
جود حلق ماراغارت کردند، راهی
از مصادره باقی می ماند؟
ناه باید توجه داشته باشیم که

س بدهی اس که اعدام به ملی
کردن سانکها اگر که قطع کامل سلطه مالی
امیرالاسم مجرمود. هر چند هم از
روی حسن نسب انعام بدرد، همه همچو
وچه قادر نتواهد سود منافع مردم کشور
ما را می‌سازیم کرده و استظارای را که حلسو
از مصلحته می‌شون دارد را اورده نماید.
مردم ساتوحه به اس مسئله اساسی
ملی کردن سانکها را که می‌نواهدیم قطع
کی اردستهای قدرنمای امیرالاسم
ساده مامد. با سطح سرک بف ملی، گاز
ملی، ذوب آهن ملی، سرخه ملی
رادیولوژیون ملی و پژاران "ملی"
دیگر رسم گذشته نزول دهد.
ملی شدن عینی معادره کامل
سرمهدهای امیرالاسمی و دیگر وابستگان
داخلی اس، ملی شدن عینی بازیگران
گرفت غارب مردم از دست حاکم‌گران
ملی شدن عینی مدرب و کنترل موسسات
ملی بست مردم.
اصولاً سارحدرسیانه هائی که
درستند ماساں غارب گران
امیرالاسمها اتحاد سده اس، حسراں
خوار و بازیرداخت حقوق سهاده از ن
ایرانی و خارجی سانکها به تنهای ملی
بدنیه حساب عینی آدلیکه شروع می‌شود
بحران اقتصادی کوئی که اکبر سانکها
ساورسکی کامل روپوش کرده است.
خدمت این سرماده داران و دارو دسته
حاکم‌گران سهاده حساب می‌آید، که
کوله سارخود راسته بودند و هم عارب
جود راهه حسب رده و قلا ارکشیور
خارج سوده سودید.
سازمان دولت ساده ساده اعدامات
محافظه کاره، ملی کردن سانکها اگر کی
ارجو استهای حلی ایران سود و میزور د
سیاسی آب‌الحسینی می‌باشد از مسیر
طبعی و درست محرزو، سعادت. دولتی
شدن را حاجکرس ملی شدن تعمد و بگفته
تحس و زیر سادس گرفت اداره سانکها
توسط دولت سرونه فضه راهه هم نزدیک
کدو و بیط می‌سازد ای مردم ساقی
تکرارد.
و امیری سک داد ام که صنایع بفت

لازمه اینکار آن است که کارگران
کاهه در درون کارخانه ها و مرکز دولتی
نمیکنند یک نزدیک شوند و مشترکاً کار کنند
و با بردن آگاهی به میان توده های
کارگری، حقایق را به آنها شناسان دهند.
دوست و دشمن را مشخص کنند و اثرازات
تبليفات سوء را زبین ببرند تا غافروز
لazam را در بین کارگران بدست آورند
و پایه های ایجاد تشکیلات واقعی را که
در جمیع خواست طبقاتی کارگران حرکت
نمایند، برپیزنند.

از آنچه که نمایندگان شوراها خواسته‌هاي کارگران را تعقیب می‌کردند، دولت به شکل مستقیم نمی‌توانست شوراها را درهم بشکند و نابود سازد.

بنابراین لازم بود بطور غیرمستقیم در کارآنهای اختلال ایجاد کند. زیرا در صورت رشد طبیعی این شوراها خواسته‌های رامطح می‌گردند که در تضاد با منافع سرمایه‌داران بودند و بدورای این منظورا ز عناصر متزلزل و ناآگاه استفاده می‌گردکه در زمان پاک‌فرتن شوراها بدون ضبط وارد آن شده بودند و اینکه در لباس مذهب به حرکت مترقی و مختلف منافع سرمایه‌داران برچسب ضدانقلابی می‌زندند و همچنان سدراء رسیدن کارگران به خواسته‌های برق خود می‌شوند. حتی در مورد تصفیه عنصر صمزد ریکی از همین نمایندگان می‌گفت "کسانیکه چنین پیشنهاداتی می‌دهند، مسلمان نمی‌ستند و می‌خواهند چوب لای چرخ دولت بگذارند زیرا نظر ام جدید مدیران سرسپرده سابق را اصلاح می‌کند و احتیاجی به اخراج آنها نیست" در مقابل پیشنهاد کارگران مبنی بر ایجاد امکانات رفاهی برای آنها می‌گفت: "طرح مسائل صنعتی و اقتصادی در حال حاضر عملی خداوندانی است و دولت را تعجب می‌کند." در مورد طرح یکی از نمایندگان می‌شوند بزرگی کارگران موقت و پرداخت حقوق و مزایای آنها به چشمکری و جارو-جنجال به نماینده‌ذکور از اوضاع نسبتی اشاری رای دهنده فقط در خاور و شایسته دشمنان قسم خورده زخم‌کشان و عمل آنهاست و فوری پاسرهم بنده انتخابات جدید و دسته بندی علمی نمایندگان واقعی و ایجاد مانع در راه انتخاب آنها بوجود آوردن خفقان، شورای جدید را بوجود می‌آورند که در آن سربرست‌ها، نماینده‌کارگران و مهندسین نمایندگان کارمندان معروف شده اند و بدون توجه به نسبت کارگران و کارمندان شوراها ب تشکیل می‌دهند که بطور عمده از کارمندان و یا مهندسین تشکیل می‌شوند به این ترتیب مشاهده می‌شود که در

با پد از ستمگران گرفت و به ستمدیدگان داد

رامی مکند . با این پیمان های کم
می بندند و تقسیم می کنند . یعنی سه
قسمت را خودشان بر می دارند و یک قسمت
را به راننده می دهند .

بنده خودم راننده ای هستم با ۳۸۲ سال و از ۱۳ سالگی شروع به اینکار کردم و مدت ۲۵ سال است که نوی این جاده‌ها روی ساینهای این کامیونها کلنچار می‌روم ولی جزو حمت و رنج و مرارت هیچ چیز دیگری نصیب نشد. باداشتن ۶ سر بر اعماق این نه منزل دارم به ماشین نه پول و همچیکونه مدر آمدی در این کشور دارم. با تدقیق کوفته حالا بایدیه انتظار بنشیم تا ناینکه بیسم کی دل آفایان دست اندر کاران را در خیابان قزوین می‌آید ناینکه ترحمی به ما بینند و به ماکامیون بدھند. سه ماه قلقل تقاضا نوشتم (برای همین کامیونها یک قسطی به مامی خواهد بدھند) سه سندیکای کامیوندار ن در خیابان قزوین ولی چند روز قبل وقت رفتم سراخ تفاضای خود را گرفتم حواب دادند که ستوانین فلی سندیکا کموبیت بوده اند و تقاضای شما باطل شده حالا بگوشید آیا باید بنده بالاثال من که زیاد هست هستم چکار کنم؟ آفایان دولتی هم نخست وزیر روسای انقلاب! تکلیف ما چیست؟ بنده بعنوان یک راننده حمل و کار از طرف هم زنجیران خودم خواهشمند هرچه زودتر و ضعمان راروش کنید. آخر دادن کامیون های اشخاص خانه‌ی چون شاهپورها که اینهمه بروی ساندارد. باید از ستمگران گرفت و به ستدیدگان داد. آیا جنین کاری سی از انقلاب که همه چیز باید زیر و رو شود مشکل است و احتیاج به وقت دارد؟ یک راننده کامیون

[View all posts by admin](#) | [View all posts in category](#)

روستائیان بحش مهران
آذربایجان شرقی

ماهالی بحث مهربان آذربایجان شرقی از مسئولان امری خواهیم به نارسائی های زیر توجه کنند؛
بخش مهربان که با جبل روستای اطراف خود جمعاً ۶ هزار نفر جمعیت را در خود جای داده است از محرومترین قسمتهای جامعه محسوب می شود و برای این جمعیت هیچگونه وسائل رفاهی در اختیار نیست. در این منطقه حتی یک زبانگاه هم وجود ندارد و هنگام زایمان زنان ناید ۱۵۰ کیلومتر راه بیمه بند و دیبهی است که بیشتر آنها در میان راه تلف می شوند. وضع بیمارستان هم که هم کم بود دارو دارد و هم کم بود دکتر و در این بیمارستان که یک دکتر خارجی که حتی زبان محلی را هم نمی داند فقط روزی چهار ساعت کار می کند و معلوم است که این نمی تواند شکلات بیماری را زیبین ببرد. روشاهای ماهیچگدام آب آشامیدنی بهداشتی ندارند و در این حال چون مجبور هستند از آب غیر سهاداشتی استفاده کنند موجب بیماری های کوئنگون می شود. روشاهای مالاحتیاج شدیدی به برق دارند کشاورزان ماهیچگونه وسائل کشاورزی که در اختیار خودشان باندند ندارند و وضع راه های خلیلی بداست و باری پریش کمی ساران رفت و آمد غیر ممکن می گردد.
درود بر شهدای خلق ایران

قدامات ضد کارگری مدیر عامل
تراکتورسازی تبریز

تبریز - شورای مرکزی کارگران تراکتورسازی تبریز همراه با کارگران این کارخانه خواستار اداره کارخانه بوسیله هیات پنج نفری (که مورد تائید کارگران هستند) می باشدند. قبل از طرف سازمان گسترش پنج نفر انتخاب شدند که سه نفر از آنها مورد تائید کارگران هستند. کارگران می گویند شخصی بنام "فولادیون" که به سمت مدیرعامل کارخانه منصوب شده دونفر از کسانی را که مورد تائید کارگران نیستند بنامهای "پویا" و "ایروانی" در رأس کار گذاشته است. همچنین شخصی بنام "مهندس شعار" را مأمور انتظامات کرده است.

کارگران در قطعنامهای خواستار برکناری "فولادیون" از مدیریت کارخانه و اخراج مدیران سابق شدند که واپس به رژیم گذشته بوده و سیاست ضدکارگری داشتماند.

● واگداری کامیون های اشخاص خائن
متل شاهپور ها که اینهمه برو بیاندارد

باید از آنهاست که همیشه باکوس و کرنا
دم از مستضعف می زند پرسید.
مستضعف به چه کسی می گویند؟
به کسی می گویند که لیاشر را پاره
کند و در کار خیابان گذاشی کند؟ (از زور
تتبیلی یافلخی وغیره) هر آشما توجه
ندازید که واقعا شاهرگ حیاتی اقتصاد
ملکت راهیں متفراند کان کامیون
می گردانند. ضمنا چند ماهی (۴-۵ ماه)
است رانندگان کامیون راهی نخود
سیاه می فرستند و برای دادن کامیونها
شاهپور غلام رضا پارتی بازی می کنند.
بعنی بعضی از راننده هایی که هم
ماشین وهم منزل وهم پول نقد داشتند
قبل از این برنامه ها کامیونها خود را
فروختند و آمدنند تا ص این رانندگان
که واقعا واحد شرایط هستند ایستادند
تا اینکه صاحب یک کامیون به اصطلاح
مفتی بشود و آن کسی که واقعا حقش
است سرش بی کلاه بماند. مازدست -
اندر کاران یاروسای مملکت خواهشمندیم
در این کارسی بیشتر وقت کافی بکنند.
کفتند که رانندگان خارجی از ایران
خارج شدند ولی باز هم راننده های خارجی
دیده می شوند در حالیکه راننده های
کشور مایکار و بی بار گوش کاراز های
کوش قهوه خانه هاروز خود را به شب
می رسانندو ...
این کاراز دارها هم واقعاخون راننده ها

رفیق کارگری طی یک نامه از مایرسیده است:

زن در جامعه کمونیستی چه مقامی دارد

نظام سرمایه داری را به دلیل فرهنگ منحط و روابط و مناسبات ضد بشریش، اما ج حمله قدرتمند داشت. آیا سرمایه داران و انگل های جامعه، فقر و فلاکت و فرهنگ مبتذل سرمایه داری را رواج می داشتند و زنان و دختران را به فحشا و خود فروشی می کشانند یا چون میستهای که دشمن فقر و فلاکت و سرمایه داریند؟ در کارنامه افتخار آمیز کشورهایی که کمونیستی انتقالب آنرا رهبری کرده اند و طبقه کارگر بر هم بر سریده است، بطور ریشه ای با مستله فحشا و فساد برخور دشده و آنرا (بعنوان نمونه) در ویتنام بعد از انقلاب که آزادی و اقیان را تأمین کرده است، متواتر دید. شاید تتعجب کنی، در سایکون (یکی از شهرهای ویتنام) قبل از انقلاب ۲۵۰/۰۰۰ روسی وجود داشت که انقلاب ویتنام تهای پس از یکسال توانست همه آنها را به کشیده از اتفاق داند و زندگی سعادتمد بکشاند. باری رفیق از آنها که کمونیستها بزندگی آسوده و چیزی که از اینها سرمایه داران را به خطر انداخته اند، طبعاً سرمایه داران همواره تلاش می کنند که آنان را مزد م دور نگاهدارند و این جزا راه ایجاد خلقان، انتشار اشاعه و دروغ و غیر دارازی ممکن نیست. به سرمایه داران و حرفا یاشان

نگاه کن . در حالیکه کارگران زیر بک سقف استمار می شوند ، کارفرمایان احساسات مذهبی برخی از کارگران استفاده می کند و کارگران پیشواؤگاه را لامذهب (کمونیست !) می نامد و عمللا تغوفه افکتی می کند تا کارگران نتوانند همه بطور متعدد مبارزه کنند . آنهایم گویند : " کمونیسته باشید " کارگران پول می دهد تا اکارگران نگذند " کمونیستها و اسواکهایها . جنگ گنبد را به وجود آوردنند " . " ترور کار نیروها ی جب گراست و ... " رفیق این چیز تازه ای نیست . در گذشته نیز هرکس علیه استمارگران مباروه می کرد و شرتو اشراف و وزمنداران را به خطرمو انداخت ، از این تهمت ها بی نصیب نبود . مخصوصاً آنها سعی می کنند بشکل حساب شده ای برای تبلیفات خود از احساسات مذهبی و از عوایط مردم استفاده کنند . مثلاً این سلسله تغزی انگیز اشتراکی کردن زنان (که فوراً احساسات مخالف را در مردم به وجود می آورد) بارها و بارها علیه اتفاقیهون استفاده کردند .

وزیر کار باید توسط شوراهاي کارگری انتخاب شود

دفاع کنند. در حالی که ماقطع حقوقی
صنعتی نداریم بلکه همانطور که در
انقلاب شرک داشته ایم می خواهیم در
دولت انقلابی هم شرک داشته باشیم.
مازکارگران اینتلیانی می پرسیم
شماد عرض چندین ده سالی که سندیکا
داشته اید آیا به خواسته های بابت رسانیده
اید؟ اگر واقعاً به خواستهای صنفی
رسیده اید پس اینهمه اعتراضات عظیم
کارگری که هراسله می شود چیست؟ و آیا
با سندیکا حداکثر به چند درصد اضافه
حقوق میشود رسیده اید؟ و یادوتنهای
دیگر هم رسیده اید؟ و یادوتنهای
شمال از منافع شماد عرض می کنند؟ اگر
اینگونه است پس چرا به توسط سندیکاها
برسازندکی اضافة حقوق همیشه با
دولتها بیان دعوا دارید؟
اما من این خواهیم اینگونه باشد.
اما می خواهیم که به توسط شوراهایی که
در هر کارخانه تشکیل می شوند نمایندگان
واقعی خود را در دولت داشته باشیم و به
توسط همین شوراهای بتوانیم در موقع لزوم
به مبارزات سیاسی و صنفی خود ادامه
دهیم و حقوق حق خود را از دولتها کار-
فرماییم.
وقتی مازبرگترین نیروی نولیید
کننده جامعه هستیم پس با اینستی در تما م
اور دولتی هم شرک داشته باشیم.
مثلاً نمایندگان واقعی مایاستی در
مجلس موسایی که تشکیل می شود
شرک داشته باشند. این نمایندگان
واقعی از طریق تشکیل شوراهای کارگری
در هر کارخانه به انتخاب کارگران آن
کارخانه معین شده و ارتباط شوراهای
کارخانه توافق نماینده واقعی
همه کارگران را یعنی کنند.
وقتی مانع نمایندگان واقعی خود را
انتخاب کیم خود بخود شناسه است
که بخوبی از همین نمایندگان وزیر کار باشد.
چرا که اوست که واقعیه سائل کارگری
آشناست. اوست که در کارگر ارامنه دارد
او است که می تواند قوانین کار ارامنه باقی
نیارهای کارگران به کمک اکثر کارگران
درست کند. در حالی که همانطور که
می دانیم موضوع وام و شرایط برداخت
آن وسایر مواردی که اشاره شده بود
بدون حضور نماینده واقعی کارگران به
تصویب رسیده است و همین جهت هم
منافع مادران رنر نگرفته است. باشرط
سنی، بیمه، ازدواج، تأثید کارگری
از طرف وزارت کار، دوره های آموزشی که
نوشته شده بود نه تنها قدمی درجهت
منافع مادران شرکت نمایندگان بلکه با تعیین تکلیف
برای ما، مارا بازیجه دست خود قرار
داده و عمل حقوق حقه مارا بزرگ
گذاشتند.

پس نتیجه می گیریم که اگرچه

آیا کارگران مسلمان با چکش و
دھقانان مسلمان با داس کار نمیکنند؟

در جامعه کمونیستی روابط زن و مرد بدلیل وجود نامن اجتماعی وزائل شدن مالکیت خصوصی، روابطی است کاملاً خصوصی که فقط به خود زن و شوهر مربوط می‌شود. جامعه حق داخله در آن را ندارد.

اتفاقاً "اشتراکی بدون زنان" موضوعی است کاملاً مربوط به جامعه سرمایه‌داری (طبقاتی) که عملابصرورت فحشاً در همه جای آن به جسم می‌خورد. وجود فحشاً در جامعه مغلوب مالکیت خصوصی است و هر دو با یکدیگر از بین می‌روند. بنابراین کمونیستها که دشمن مالکیت خصوصی و بورزاوی هستند، با نایبود کردن نظام طبقاتی، فحشاً و اشتراکی بدون زنان را به گورمی سپارند. راستی رفیق، خودت قضاوت کن. بورزاوی‌ها که در شب نشینی هایشان زنان خود را به آغوش بکدیگر می‌فرستند و درگذشت غوطه می‌خورند، زنان را اشتراکی کرده اند و اکمونیستهاشی که همواره در از حقوق اجتماعی برخوردار است.

در موقع کاراحتیاج به امن و سایل و ایزار ندارد؟ و یا این ایزارهای درجه‌ری اسلامی تغییرمی‌یابند که به مخالفت با این پوستر برخاستند؟ البته ماین مخالفت‌هارادلیل ناگاهی آنها و تحریک بعضی عناصر مرتजع می‌دانیم و شدیداً این قبل اعمال رامحکوم می‌کنیم و از مقامات مسئول می‌خواهیم که برای رسیدگی به این وضع در اجتماعات کوچک مثل مدرسه‌که منجر به اختلاف در جامعه خواهد شد تذکرات لازم را بدهند.

بهای اینکه در حال حاضر تمام نیروها یکی شوند و با امپریالیسم و دنسیت - شنادگانش مبارزه کنند عده‌ای درین مردم بذر نفاق می‌پاشند. آیا این کارها موجب بوجود آمدن جنگ داخلی نمی‌شود؟ آیا به سود دشمنان مأوا امپریالیسم و صهیونیسم نیست؟

گروهی از دانش‌آموzan یکی از بخشهاي هم‌دان

کارگران ، مزاحم سرمایه داران خیز هستند !

بیکاری توسط دولت آ درست تر آ بود که ترتیبی داده شود که کارفرمایی کم خبر است و از ترس کارگر که هف تیریسته به کارخانه نمی رود، کارخانه اش را برا د اندازد، تا این آدم (کارگر) به سرکار ش برود. بنظر من نمی توان گفت که اینها (کارفرمایان فراری) ناصل امیریالیز م هستند. کارگرانی هستند که درگذشت بد جهت تقلب و درزدی اخراج شده اند والان هفت تیر بسته و جلوی کارخانه نشنهاند و کارفرمایان ترتیب نمی توانند بساید. این کارفرما نمان و روزهای اش قطع نمی شود. این آدم مومن و مقدس است. *

سوال آیا اداره این کارخانجات از طریق شوراهای کارگری امکان پذیر خواهد بود پایه خیر؟

* جواب - دولت نمی تواند خلا کارخانه داران و زمینداران بزرگ را باشوار برکنند. متأسفانه جنین کاری امکان پذیر نیست شنیدن جنین باخ هاشی سرای مادر از انتظار نبود. از هر نماینده فکری بورزوای لیبریار که جنین سوالاتی شود، همین حوابها را خواهد داد. او خواهد گفت که این سرمایه دار است که کارگران خانه ای را که ایجاد کرده اند

امداد مورد قسمت دوم سوال و عامله این شرکت سافریقای جنوی طلایعی ندارم و در این مورد تحقیقی خواهم کرد.

سؤال شماردرنگره و کلام طالبی عنوان نزدید که متنافق یکدیگر بودند. زیرا زیک طرف از آزادی افکار و حمایت از مجلس موسلان صحبت کردید و از طرفی یک خواستار بازگشت صاحبان صنایع تجارت شدید و گفتند که اینها برای خرخاندن اقتصاد کشور دوباره دعویت موند.

جواب - این یک نظر شخصی بود. همین ترتیب که در مقابل ایجاد صندوق خریداری کرد.

روز پنجمین ۱۷ خرداد آغازی
زبده مدیر عامل شرکت ملی نفت دریک
اصحاحه مطبوعاتی شرکت کرد و طی یک
مختصرانی مفصل خدمات شرکت را در طول
مدت مدیریت خود و به خصوص صرفه-
موشی های گوناگون آن را توضیح داد و
آنکه به سوالات شرکت کنندگان در
جلسه پاسخ گفت.

از آنجاکه متن سخنرانی آغازی
زبده و سوالات بسیاری از حاضرین
در جلسه، در نشریات، و روزنامه های دیگر
جانشیده است، مانند این قسمت

سؤال و جوابها که تاکنون منعکس نشده
است می بروزد از:

* سوال - آیا در مورد انتقال شرکت
خدمات نفتی ایران در لندن (آبروس) چه
قدرت اقامتی شده است؟ همانکو چه کمی دانید
بن شرکت سالانه ۸۰۰-۵۰۰ میلیون
الار موارد ولوازم برای صنایع نفت
تریدیاری می کند که حدود ۳۵ درصد آن
از ارائه کلیس و بقیه را از کشورهای دیگر
مثل افغانستان و چینی می خرد. برای نمونه
حدود ۲۵ روز پیش، این شرکت مجموعه-
ای از افریقای حنوبی خریداری کرده است

بدون مشارکت کا رگران ...

قیمه از صفحه ۱

پیشین و افزایش حداقل دستمزدها بوده اند و تاکید گرده اند که باید بسا شارکت‌خودشان این نتیجه را تصور کردند و مأمور ازارت کارهای همچوئن توجهی به خواسته ازارت کارگران نکرده است . اکنون مطالعه باقیه اینم که وزارت کارهای شرکت‌خودشان بلکه با همکاری و توصیه‌کارفرمایان در راتاق های دربسته مشغول تضمیم گیری برای ارائه طرح قانون کار و حداقل‌سازی دستمزدها است .

این شیوه برخورد بامسائل کارگری احرازه می دهدکه در این مورد حساس نظر چند ملیون کارگر را در نظر نگیرد و نمایندگان واقعی آنها همچوئن مداخله ای نداشته باشد .

اگر وزارت کار و مسئولین امر چنین تصوری کنند که بدون درنظر گرفتن خواست کارگران و نمایندگان آنها می توانند بنام آنها تضمیم گیرند ، از هم اکنون باید گفت که این خیال باطلی است . هر آنچه که تحمیلی باشد موردنیمه کارگران فرار خواهد گرفت . تمیه و تنظیم قانون کار جدید و نیز تغییراتیمین حداقل دستمزدها از جمله مسائلی هستند که بدون حضور و مشارکت نمایندگان واقعی کارگران ، هیچ کس حق تضمیم گیری درمورد آنها را نخواهد داشت .

عنتی کارون استعفاداد و همانموقع در وزیر نامه هایز منعکن گردید. اور در تاریخ ۱۱ خرداد در منزل خود دستگیر شد و در ندان اهواز در اختراض به دستگیری خود اهانت اعتصاب غذا دست زده و بعده بیمارستان منتقل شده است.

۴- حسن آقائی - اولین ایندیمه اداره ریزی در شورای انقلاب صنعت و فن اهواز بود و از عمالین کمیته مخفی اعتصاب نفتگران اهواز در روزهای سخت بازرسه بارزیم سابق به شمار می آمد.

۵- رئیس اول خرداد عده ای بسراستگیری او به منزلش مراجعت می کنندکه واقعه دستگیری وی نمی شوند.

۶- علیرضا حمیده خو- از اعضای میتنه مخفی زمان اعتصاب نفتگران اهواز در دحو زو نمایندگان اداره زمین شناسی را روح اعتصاب به شمار می آمد.

۷- علیرضا حمیده خوازنار- خ دی بهشت برای گذراندن دوره کارآموزی اداره تهران منتقل شده است. در ایام خرداد ماه سال جاری به منزل مکونی اش رسیده اند و در حالیکه در بزلش قفل بوده بدون هیچ مجموعی روب رایا و منزلش را مورد تفتیش قرار دهند.

۱- شیر معیل اواز اعضا، کمیته
محفوی زمان امتصاب صنعت نفت اهواز
سودودر شورای موقت شرکت نفت اهواز
نماینده اداره مهندسی نفت بود و ظاهر ا
به اتهام ارتباط با کانون خلق عرب
اهواز دستگیر شد است.

علوم وی را از اهواز به زندان درفول منتقل کرده است.
۲- ناصر حیاتی که سرپرست جند واحد بجهه برداری در منطقه نفتی مارون در زندگی‌های اهوازی بوده است و در اوح مازرات مردم عليه رژیم ساقع عصو کمته مخفی اعتناب نفتگران اهواز به شماری آمد. همچنین نماینده فست خود درشورای موقت صنعت نفت اهواز بوده است.
ناصر حیاتی در تاریخ ۱۵ خرداد نیمه شب در منزل سکونی خود دستگیر شده و در زندان اهواز اعتناب غذا کرده اس

۳- محمد حواد خاتمی - اوضاع
فعال کمته مخفی اعتصاب صفت نعمت
اهوار بودکه بعد از پیروزی اعتصاب طی
نامه رسکاوهای در اعتراف به احصار -
ظلی راختناق موجود در راه - وزار
نمایندگی مهندسی بهره هرداری منطقه

قانون اساسی و قدرت کارخود را بطور ممکن

ایران باید حق داشتن محل سکونت مناسب و شایسته برای هر فرد و خانواده اش به صراحت ذکر شود. پیدا است منظور از حق مسکن، آن مبلغ ماهانه ناجیمیزی نیست که به گروهی از کارگران بعنوان "حق مسکن" پرداخت می شود و همین کارگران باید چند برابر آن را بعنوان اجاره خانه بپردازند.

منظور از حق مسکن، عبارت از محل سکونت مناسبی است که دولت باید در اختیار کلیه زحمتکشان شهر و روستا قرار دهد.

در "متن پیشنهادی ... " حق انتساب برای کارگران و سایر حمتكشان نخواسته نشده است. جامعه راکه "متن پیشنهادی ..." ترسیم می کند، جامعه ای سوسیالیستی یا نیمه سوسیالیستی شیوه سیاست ساخته است. طبقه

عمره، قدرت نارخود را بطور موکتاز کسانی که بعلت نقص عضو، از کار نتادگی و پیری، قادر به ادامه کسار نستند.

٢- حق استراحت

بهاین امر نیز در "متن پیشنهادی..." اشاره ای نشده است. حق استراحت از عده ترین حقوق کارگران و سایر زحمتکشان ایران است. اصل ۶۳ قانون اساسی الجزایر حق برخورداری از استراحت را "راتضمی کرده است. قانون اساسی جدید ایران نیز باید این حق را بر سمیت بشناسد و تصریح کند که ساعات کار کارگران و سایر زحمتکشان از ۸ ساعت در روز و از ۴ ساعت در هفته تجاوز نکند در بارهای از کشورهای سرمایه داری مانند بلژیک، ساعات کار هفتگی کارگران از ۴۰ ساعت در هفته نیز مرتفع است.

در حق استراحت باید همچنین صریحاً تأکید شود که کارگران و سایر زحمتکشان باید از یکماه مرخصی سالانه با استفاده از حقوق برخوردار شوند. این حق در کشورهای سرمایه داری نیز برای کارگران و سایر زحمتکشان شناخته شده است. حتی گروههایی از کارگران فرانسوی از حق مرخصی سالانه با استفاده از حقوق بعد از ۵ هفته در سال برخوردارند و در این کشور کارگران از طریق تشکل های سندیکا کسی خود از یکسال پیش می کوشد که حق ۵ هفته مرخصی سالیانه را برای کلیه کارگران و زحمتکشان فرانسوی تامین کند.

در شماره بعد خواهیم دید که چگونه در "متن پیشنهادی..." به آزادی و حقوق دمکراتیک مردم ایران کمترین توجهی نشده است.

۳- حق مسکن

داشت مسکن برای کارگران و زحمتکشان بر روستا از حقوق اولیه شماره می رود که متن پیشنهادی "... در مرور آن نیز موضع است. در قانون اساسی جدید

٣- حق مسکن

داشتند مسکن برای کارگران و زحمتکشان
هر روز است از حقوق اولیه شمار مردگه
متن پیشنهادی ... " در مرور آن نیز
موش است. در قانون اساسی جدید

1-118

امپریالیسم آمریکا چه حکومتی ...

امپریالیسم آمریکا چه حکومتی...
نکارده است...
و "جرج بال" با درک و ضعیت
میتوسید: "تجربه گذشته ایران نشان
میدهد که در شرایطی شایه وضع کنوی
مردی مانند رضاشاه می تواند نفع موثری
برای کند.... در هر حال آینده ایران
هنوز روش نیست و آمریکا در لحظه کونوی
نمی تواند در تعیین سمتگیری میانسی
این سورشارنش موضع داشته باشد. سیاستی
که ما باید در پیش گیریم آنستکه صور و
مراقب باشیم و در انتظار رسیدن لحظه
مناسب بمانیم تا بتوانیم بنحو موثری
نفوذ خود را اعمال کیم.
از محتواهای سخنان "بال" چنین
برمیآید که اگرچه امپریالیسم در وحمل اول
در پی تقویت هرچه بیشتر جناحهای
سارشکار و شبیث کامل آنها پیش می رود،
اما در عین حال در آرتش در جستجوی
"رضاخانی" است که بتواند نفع او را در
شرایط امروز ایفا کند. بنا گفته ای
امپریالیسم باید آن جناب هشیارانه عمل
کند که در لحظه مناسب ضربه کاری را
وارد کند.
در یک چنین وضعیت نایابیار،
حساس و خطرناکی است که دوراه در بر ای
انقلاب قرار دارد: یا وارد و درین ضربات
می دری و سهمیکن ری پیکر امپریالیسم و
برآنداختن کامل سلطه آن، پاسخ دادن
به خواستهای تقدوهای مردم و در رأس
آنها طبقه کارکر، که در یک چنین حالتی
قدرت باید اساساً منکی بتودها باشد.
و یا شکست قطعی انقلاب و تسلط همچنان
امپریالیسم.

بر تجدید سازمان ارتش، حمایت از
سرمایه داران وابسته و دعوت از آنها برای
بازگشت و نیز سرکوب خلقها اصرار دارند،
باید درک کنند که اگر توشهای مردم بر
آزادیها و حقوق دموکراتیک تاکید دارند،
در جهت مبارزه ضد امپریالیستی و درجهت
عمق پیشیدن بهاره است. برای آنها
مبارزه برای کسب حقوق دمکراتیک و سلیمانی
است نه هدف. چگونه میتوان انتظار
داشت که نیروهای فوق الذکر در حالیکه
در جهت تجدید سازمان ارتش و تقویت
وضع امپریالیسم و سرمایه داری وابسته
کام بزمیدارند، مدافعان حقوق و آزادیها
دموکراتیک باشند.
اما از سوی دیگر دولت و رهبری
خرده بورژوازی سلت سپرناگی، ضغف
عدم قاطعیت، سی شناسی و درگیریهای
درونی خود عمل نتوانسته است گام
مشتبه بردارد. طبیعی است که در شرایط
کنونی، اشتباهات متعددی که از جانب
اینها صورت میگیرد و نیز توطئه چنینهای
امپریالیسم، نفوذ عناصر ارتجاعی و
کارشناسی آنها، براه انداختن گروههای
فالانزه دتفیقاً در خدمت امپریالیسم
هستند و نیز خودگامگی و عدم توجه به
آزادیها و حقوق دموکراتیک توده مردم،
میدان را برای خود نمایی نیروهایی که
امپریالیسم بر روی آنها حساب میکنند باز
نوشته است: آنچه بیش از هر چیز
خدمت منافع ما خواهد بود اینستکه
کام بزمیدارند - احتمالاً در ائتلاف با جناب
انعروض مذهبی - درین مبارزه (بر سر
رست) پیروز شود....
ملحاظه میکنید که این تحلیل گر
حصارات، بر روی آن نیروهای خارجی
کند که سازشکاری آنها در طی مبارزه
تندیں ساله، اخیر آشکار بوده است. ما
خرده بورژوازی که نیروهای مردم
نمیتوانند امپریالیسم با بهره‌گیری از نقاط
امپریالیسم، نفوذ عناصر ارتجاعی و
کارشناسی آنها، براه انداختن گروههای
فالانزه دتفیقاً در خدمت امپریالیسم
هستند و نیز خودگامگی و عدم توجه به
آزادیها و حقوق دموکراتیک توده مردم،
میدان را برای خود نمایی نیروهایی که
امپریالیسم بر روی آنها حساب میکنند باز
نیار می‌ورند تا دنیاگی چنین پیچیده و
ظیم را درک کنند.
جرج بال سرمایه دار و سیاستمداری که
هزاران است با ایران و مسائل آن
آنست. و بقولی "متخصص" امور
ایران است، اخیراً در هرالدتریبون
الدینی نوشته است و باز طبق معمول
امپریالیسم توصیه هایی کرده است که
لاع از آنها بقصد خنثی کردن آنها
وروی است.

همهٗ مستشاران خارجی باید اخراج گردند

۱۵ ضمیمه کار شماره

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

لعلنا نزدّيكم من يسوع تبرير

نقش امپریالیسم و ارتقای در واقع خونین خرمشهر

عرب تشكيل مي دهندگه غالب انهادر راهه ها و كپرها زندگي
مي كنند و در بذرین شرابط اقتصادي - اجتماعي که ناشي از
سياستهای صدملي و سدخلقي حکومت بشين اس، سر-
مي برند. اکثرا عرب به کارهای سب و طلاق فرسای
كوناگون در بسدروديگر نقاطه سپر مشمول دو باطنور فصلی سرای
سرکتهای بیساکاری کار مي کند. ساکنس دیگر سررا
خوزستانیهای غیر عرب از مناطقی ماسد سوست، ذژول و سار
نقاط دیگر کشور تشكيل مي دهند. تحارب رادر جهت هر عموماً
افراد غیر عرب در دارد دارند و در مان اصناف و بازار سار
صاحب سرمایه، کمتر عرب به جسم مي خورد.
خلق عرب در اثر محروم است اقتصادي از سرمه و ری و سوشه
فرهنگ یومی واستفاده از زبان و سنتهاي خود محروم شده در
بنچه همشده، انتظار سلطانی، هاش، اس، احتماً

مادرزیر قسمتی از بررسی جنگ تعیینی خرمشهر رانقل
بی کنم و در شماره‌های آینده به ادامه آن خواهیم پرداخت.
بار دیگر امیرالسیز و عوامل مزدور آن که منافق غارتگرانه
آنها را از قیام مردم به خطر انداخته است، با ایجاد توظیه‌های
ناجوانمردانه، جنکی ناخواسته راه خلق ماتحیل کرد و بار و دو
وقرار دادن سروهای مردمی، نقطه دیگری از میهمان را سه
تش کشیده است. در اثر این توظیه در بامداد روز چهارشنبه ۹
خردادماه برخوردهای مسلحه خرمشهر را فراگرفت که در
عرض چند ساعت بیش از دهها کشته و صدها متروکه برجای
گذاشت و بیش از ۱۵۰ نفر بارداشت شدند.

● موقعیت اقتصادی - اجتماعی خرمشهر

درباره اعلام ملی شدن بانکها

دولت مهندس بازركان، سرانجام در هیجدهم خرداد ۱۳۵۸ آنچه از دنیا که از اینکه این اعلان کرد. در این چهارماه که از عمر دولت موقت می‌گذرد، دولت تعامی کوشش خود را کار برداشت‌های منظور که معین فر سرپرست سازمان برنامه‌در مساجیه رادیویی (۱۸ خرداد) گفت ساکک به بانکها به کار آنها رسورتی ۱۷ دهد و آنها را بیندارد. اما وضع بانکها آن‌تفه ترازن بود که کم دولت را حاصلی نشد.

A high-contrast, black and white photograph capturing a scene in a dark, possibly nighttime or low-light environment. In the center-left, a person stands near a large, textured stone structure that appears to be a doorway or entrance. The person is dressed in dark clothing and is positioned in front of the stone opening. To the right, another figure is visible, though less distinct due to the lighting. The background is dark and filled with various shapes and shadows, suggesting a cluttered or overgrown outdoor area. The overall composition is grainy and has a historical or documentary feel.

خرمشهر - صحنهای ارزشگی مشقت با مردم ستمیده

حمله به ستاد فدائیان در آبادان

توطئه‌ای حساب شده از جانب ارتقای

قرم مقامات مسئول تحويل دهنده وتحویل گیرنده، هر کجاکه تشخیصی دادند لازم است موحّات تحریک بامداد از راعله معاشر ابراهیم آوریندیه دروغ مارساواکی، قاجاقجان اسلحه وشورشیان نقده و غایله گران گنبد معزی می گردند. طوریکه ناتتحول ماه زیدان قصر، چندیں سار به انحصار مختلف حملاتی توسط ماوریں کمته درین راه و در زیدان صورت گرفت که پس از اعلت سایی متوجه شدم تنهایی ارجان دروغکوشی را رسماشی های ناجوای مردانه بوده است و هرچا (جه در فروگاه) گه در هر چه دره و پایه واقعه در حین انتقال به زیدان (قصر) گروه حمله کننده مواجه با نوضیح صادقانه مامی شدند و بینشان افرادی دیده می شدند که از ایشکه ه آنان دروغ گفته شده و احساس مذهبی شان و سبله مقاصدی ارتقا گرفته است آشکارا ایز از زخوار امنی کردن و کوشش داشتند تا نجه را کنادا استه انجام داده اند چیزی کنند.

۴- در رندان قصر نهاد دیسه سازی بکارمی رفت نای
برونده سازی و تحمل بازبرسیهای رائد برای سازداشت ما، که
خود معترض به غیرقانونی بودن آن بودند، محمل قصائی
سیاست و تحقیقی نهادی که بک حانه و به ناحق صورت
بی گرفت و به سود توطئه گران تمام می شد حریان حمله را لو
شند و مفری شاید قانونی، برای رهایی ازین بست جنس توطئه
سوائی، پیدا کنند. یعنی فضای بحث و بحث آنکارا عرصه
دداخلات اعتراض آمیز و توام بادیسه عدهای تخطیه گر
حقیقی شده بود.

روورد حمله و حسیانه ای که در تاریخ ۱۳۱۵/۸/۱ به دفتر
سازمان جریکهای فدائی خلق در آبادان صورت گرفت
و همچنان مصروف شدن شدید ۷ نفر و بازداشت ۳۹ فوج را
وهواداران سازمان توام با ضرب و شتم و شکنجه و اهانت
ارشات و تحقیقات و اعتراضات فراوانی به عمل آمد
همه از عمق این توطنه بی شرمانه و از پیش طرح شده
شم و از جار رحمتکشان ناجیه و دیگر نیروهای دمکراتیک
واه حکایت می کند.

- در اینتای حمله به دفتر متوجه شدیم کسانی (کسه مسئول مدعی مرا بودشان از توطه بودند و حمله مردک احساس آئی آنان می داشتند) پلکاردهای را با ضد اسلامی و آرم سازمان! ماحود دارند که فصدارند غعال دفتر آنها را در سالن اجتماعات نصب کرده و بهم بددم نا آگاه سپرد از زدن و وانمود کننده که ما کارمندان تسلیع صد بوده است! شاهدشان نیز وجود این هلاکاردهاست!
- دادستان و بازی بر سان آبادان در حالیکه همه از این سیرانسی، عذر خواه بودند و گنبداری مارا تو سلط کمیته به سرکردگی فاشیست کثیفی چون علی محمدی تفاهم می شردند و از مخبر خواهانه، برای آزاد شدن، کی و تضمن نتی می خواستند.
- در طول انتقال ما از زندان کمته آبادان به زندان

بسته نیز توجه کسم .
نخست بانکهای دولتی ،
بنده بانک ملی ، بانک تعاون کشاورزی ،
بانک اعتماد ،
بنگ توسعه کشاورزی ،
بنگ اختیار دولت وابسته
نمیتواند ... در اختیار دولت وابسته
امپرالیس بود . این بانکها علاوه
نامن اعتماد نزدیک درباریان ووابستگان
بان ، اعتمادات هنگفتی در اختیار
رمایه داران وابسته و شرکتهای مختلط
برانی و خارجی قرارمی دادند . این
نش را بین ارهمه "بانک اعتماد
نمیتوانی " اینجا کرد که برداختهای
مثبتاری دراز مدت برای سرمایه گذاری
نمیتواند را بر عهده داشت .
دیگر اینکه بانکهای مختلط که با
شارک سرمایه های وابسته داشتند ، در
خدمت سرمایه های وابسته بودند . در
بران ۱۳ بانک مختلط مشغول به کار
بود که در میان آنها بانک تهران باه
لیلیارد ریال سرمایه از لحاظ مقیدار
اراضی چهارمین بانک بزرگ ایران بود
۲۷درصد سهام این بانک متعلق به
بانک فرانسوی ویک بانک ایتالیائی
بود) بانک توسعه صنعتی وعده نی با
لیلیارد ریال سرمایه $\frac{1}{3}$ درصد آن
متصل به ۱۵ بانک هلندی ، امریکائی
نمیتوانی ، انگلیسی ، ایتالیائی ، زاپنی
فرانسوی) به عنوان بانک تخصصی
محبت نظارت دولت وامهای درازمدت
نمیتوانی در اختیار سرمایه داران می گذاشت
دو راه رسالت فراهم ساختن زمینه
راز سرمایه گذاری خارجی را بر عهده
داشت . بانکهای مختلط دیگرها شرکت
زیگرگرس بانکهای امریکائی ، فرانسوی
هلندی ، زاپنی ، انگلیسی و ایتالیائی ،
آنند بانک فرست نشان ، بانک امریکا
نگ چیز سهنان ، بانک کردی لبوه
که دوستجو ... در ایران فعالیت
داشتند . این بانکهای اجتماع آور سیرده
مادر باریازار بولی ایران ، وجود لازم برای
رمایه گذاری خارجی را در اقتصاد ایران
آهمه م ساختند .

این مجموعه روابط، بانکها را در
نحو سیار حساسی فرار می داد که زمینه
مکانات جیاول شروت مردم ایران و
بهره کشی از نیروی کار ابرای سرمایه های
میر پالیسی فراهم می ساختند. رشد
گسترش نفوذ سرمایه داری واستبداد ر
بران با گسترش بانکداری وابسته، چه
خصوصی، چه دولتی، همراه بود
از سال ۱۳۵۶، به علت بحران
اقتصادی بانکهادچار تزلزل شدند تورم
کوک و تستگاهای اقتصادی مواعنی برسر
ه سرمایه گذاری به وجود آورد و مانکها
رشد و رونق آنها برخورد و رونق اقتصادی
تسنگی دارد به تقلای افتادند. بسیاری از
اداران توانانی برداخت و امدادی را که
عمده شان بود، سرمودع نداشتند.
تفتت ها و امدادی واخواست شده رو به
بزرگی نهاد.

خصلت سرمایه داری و استان
بن است که موجودیت خود را در اباطه
اسرمایه داری جهانی و نه اقتصاد داخلی
و بین. آنگاه که اوضاع اقتصادی رو به
خاتمه نهاد، جریان سرمایه به خارج
غاز شد.

دولت مهندس بازرگان، سرانجام در هیجدهم خرداد ۱۳۵۸ آنچه شد
ساتکهار املای اعلام کرد. در این چهارماه
که از عمر دولت وقت می گذارد، دولت
نمایم کوشش خود را بکار برداشت امنیت و
که میتواند فر سپرست سازمان برناهای مدر
مساجیه رادیوئی (۱۸ خرداد) گفت
ساکنک به بانکها به کار آهانه سروصوتی
دهد و آنها راه بیندازد. اما وضع بانکها
آنسته تراز آن بود که کمک دولت را حاصلی
نداشت.

اعتباراتی که بانکهای صنایع
گذشته به صاحبان صنایع داده بودند
کمتر برآسان آنچه بانکداران "روال -
صحیح" بانکداری می گویند، و پیشتر
بریانه رابطه میان صنایع و استانه
در باریان و عمل آنان بانکها بود.

اعتبارات هنگفتی که بانکهای
بروزه های غیراقتصادی و خدمت مردمی
اوون و انصار شاه داده بودند، در واقع
ساق گرانی بود که بانکهای ازای سودهای
هفکنی که می برند، می دانند. از
سویی دیگر برخی از بانکها و سله ای می بود
برای تامین مالی صنایع خاصی که
صاحب اینها می بازد، این بانکها
بودند نهونه بارزای نوی بانکها بانک
شهریار بود که رضائی در کنار دیگر
عالیتهاش برپایاخته سودتانی از اش
مه سرمایه مالی را توسط بانکی که خود
در اختیار داشت تامین کرد. چنین
رابطه ای میان بانکها و صنایع و استانه
در موارد سیاری وجود عمومیت داشت.
اگر به سالنامه بانکداری ایران ۱۳۵۶
(انتشارات کانون بانکها) نظراندازیم
و اسماعیل اعصاری هیات مدرس مانکهارانگاه
کیم به نامهای مانند حبیب القابیان
(بانک اعتبارات ایران)، محمد تقسی
برخوردار (بانک ایرانیان)، بانک ایران و
حاور میانه، ساکن توسعه صنعتی و مدنی
ایران)، هژر الله بزرگانی (بانک ایران و
انگلیس)، حبیب ثابت (بانک ایران
و خاور میانه، بانک توسعه صنعتی و مدنی
ایران)، کاظم خسروشاهی (بانک ایران
و ایک)

وغرب، بانک توسعه و سرمایه داری ایران (بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران)،
فرید خسروشاهی (بانک بین المللی ایران و زاپن)، محمد خسروشاهی (بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران)، حماد خسروشاهی (بانک توسعه و سرمایه گذاری ایران)، علی‌نقی فرمانفرماشیان (بانک اعتمادات صنعتی، بانک بین المللی ایران)، فاروق فرمانفرماشیان (بانک توسعه و سرمایه گذاری ایران)، غفار فرمانفرماشیان (بانک تهران) هارون - الرشید فرمانفرماشیان (بانک تهران) حدداد فرمانفرماشیان (بانک صنایع ایران)، حاج سد محمود لاجوردی (بانک بین المللی ایران و زاپن)، حبیب لاجوردی (بانک توسعه و سرمایه گذاری ایران)، قاسم لاجوردی (بانک بین المللی ایران و زاپن)، حسین قاسمیه (بانک ایران و خاورمیانه، بانک تجارت خارجی ایران، بانک شهریار)، سلیمان وهابزاده (بانک تجارتی ایران و هلند) احمد وهابزاده (بانک تجارتی ایران و هلند) بانک توسعه و سرمایه گذاری ایران (جهان) جعفر احوال (بانک داریوش)، علی رضائی شهریار رضائی (بانک شهریار)، منصور پاچینی (بانک شهریار)، محمود خیامی (بانک صنایع ایران) و برمی خوریم. ارهمن تعداد محدود نامهای که برده شد، رابطه بسیار نزدیک میان بانکهای خصوصی و صنایع و استه رادرمی یا بهم اما، این تنها جنبه‌ای از ماله است. به دوچیه دیگر از رابطه میان بانکها و صنایع

